

تاویل پژوهی شیخ طوسی در تبیان: دریچه‌ای به منطق عقلانی او در فهم دین

^۱ نفیسه اهل سرمدی

چکیده

تاویل از مهمترین مسائل کلامی و تفسیری است. از آن جا که شیخ طوسی، از بزرگان تفسیر و کلام بوده‌اند، این پژوهش در صدد جستجوی چستی تاویل و قواعد آن نزد ایشان می‌باشد. در این نگارش با روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر تحلیل محتوا، به پیگیری تاویل در آثار شیخ طوسی پرداخته می‌شود. می‌توان از دو نوع رویکرد در باب رابطه تاویل و تفسیر نزد شیخ طوسی سخن گفت. گذشته از آن که در باب تاویل، ردپای هر دو نگرش درون متنی و برون متنی در اندیشه‌های کلامی-تفسیری او قابل پیگیری است. این مقاله به استخراج اصول قواعدی در تاویل پژوهی شیخ طوسی می‌پردازد که نفی تقلید، لزوم تمسک به عقل و نقل معتبر، رعایت معنای ظاهری الفاظ، جواز انصراف از ظواهر آیات در شرایط خاص از اهم این قواعد است. باید گفت، رویکرد عقلانی شیخ طوسی در تاویل شناسی او برجسته است. تمسک به عقل و ذکر براهین عقلی در آثار او فراوان دیده می‌شود که فارق از صحت و سقم این براهین، نمایانگر عقلانیت حاکم بر اندیشه اوست. در دیدگاه شیخ طوسی، تاویل بعنوان رهیافتی در فهم دین از سبک و سیاقی کاملاً عقلانی برخوردار است. بدین ترتیب از رهگذر تاویل پژوهی شیخ طوسی -بخصوص در تفسیر قرآن او- می‌توان به منطق عقلانی وی در فهم دین پی برد.

واژگان کلیدی: شیخ طوسی، تاویل، عقل، منطق فهم دین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه:

تائویل از مقوله‌های مهم و مطرح در علم تفسیر، کلام، عرفان و فلسفه است که از جهات گوناگون مورد بحث واقع می‌شود. نقش تائویل بخصوص در بحث صفات خبری که از بحثهای مهم و جنجال برانگیز خداشناسی است، غیر قابل اغماض است. بسیاری از قرآن پژوهان با توجه به روایات و احادیث، به یکی بودن بطن و تائویل اذعان نموده و معتقدند که همه آیات، ظهر و بطن و تفسیر و تائویل دارند. در این نگاه، فهم ظاهر آیه، تفسیر و فهم باطن آن، تائویل است. بنابراین از طرفی می‌توان تائویل را رهیافتی جهت فهم دین دانست که البته نمونه بارز کارکرد آن، در بحث صفات خبری مشهود است و از طرفی نیز، تبیان کتابی است در باب فهم و تفسیر آیات و حیانی. نوشتار پیش رو بنا دارد از روزنه تائویل پژوهی شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ه ق) در تبیان، منطق عقلانی او را در فهم دین گزارش کند. بخصوص که وی در ابتدای این تفسیر، مقدمه ای دارد که در این خصوص بسیار راهگشا-ست.

باید دانست زمانه‌ای که شیخ طوسی در آن بسر می برد، به سبب ظهور آل بویه و حمایت آنها از فکر شیعی، فرصت خوبی را در اختیار او قرار می‌دهد که با صراحت تمام، منطق عقلانی خویش را در فهم دین ارائه کند. در آن هنگام، بغداد بر قسمت اعظم دنیای اسلام از دریای سرخ تا سواحل مدیترانه تا سر حد چین حکومت داشت. از لحاظ علمی نیز در اوج شهرت و ترقی بود. بطوریکه دانشمندان چهار مذهب اهل تسنن در کنار علمای بزرگ شیعی در موضوعات کلامی به بحث و مناظره می‌پرداختند (دوانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۶). از همین روست که وی بعنوان یکی از بزرگان مکتب عقلگرای بغداد ظاهر می‌گردد.

او در ابتدای «الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد»، از اهمیت نظر و استدلال در معرفت به خدا سخن می‌گوید و تا بدانجا پیش می‌رود که معرفت خدا را از جز از راه عقل و استدلال ناممکن می‌داند: « و لا یمكن الوصول الی معرفتها من دون النظر» (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۵) و در ادامه برای تاکید بیشتر بر این مطلب به بیان ناتمام بودن سایر روشها در امر شناخت خدا می‌پردازد و بار دیگر، شناخت او را در راه

نظر و استدلال که با تکیه بر عقل شکل می‌گیرد، منحصر می‌کند (همان: ۲۶). امامت، مسئله دیگری است که او نقش عقل را در آن سرنوشت ساز می‌داند. وی از وجوب عقلی امامت سخن می‌گوید (همو، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶۵). بدین ترتیب، آثار شیخ طوسی به اقتضا زمانه‌ای که در آن متولد می‌شوند، آثاری است که درخشش عقل را در سراسر آن می‌توان دید و این تنها منحصر به آثار کلامی او نیست، بلکه حتی این سلطه عقلانیت، در تبیان که کتابی تفسیری است نیز، دیده می‌شود.

اگر تبیان را با سایر تفاسیر شیعی ماقبل خودش، مثل فرات کوفی، تفسیر عیاشی، قمی، نعمانی و... مقایسه کنیم، نقش عقل و خردورزی را در آن بارز خواهیم یافت. تبیان را باید تفسیری اجتهادی دانست. (رک: معرفت، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۴۶ و کمپانی زارع، ۱۳۸۹: ۴۲)^۱. تبیان، نخستین تفسیر جامعی است که یک عالم شیعی بر قرآن نگاشته است. علاوه بر اینها چنانکه گذشت، مقدمه محققانه‌ای که مولف بر تفسیر خود نگاشته است به نحو آشکاری، رویکرد عقلانی او را در مواجهه با متون وحیانی نشان می‌دهد.^۲

^۱ تفسیر اجتهادی‌ای که در تبیان مورد توجه شیخ طوسی است، تعادلی است میان تفسیر به رأی بی ضابطه و تفسیر به مأثور. تفسیر اجتهادی، اعتماد به تدبیر و عقل، توأم با تقید به روایات تفسیری دیده می‌شود و از همین جهت با تفسیر نقلی فرق اساسی دارد (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۳۳۱).

^۲ تبیان به لحاظ تفاوت بسیار با تفاسیر سابق، نقطه عطفی در تاریخ تفسیر نگاری شیعه قلمداد می‌شود. تا آنجا که می‌توان شیوه‌ی متفاوت او در تفسیر را «مکتب تفسیری تبیان» دانست که بر اغلب تفاسیر شیعی پس از خودش از جمله «مجمع البیان»، تفسیر ابوالفتوح رازی، «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» و «المیزان فی تفسیر القرآن» تأثیر گذارده است. لیکن از آنجا که چنین روشی در تفسیرنگاری

در این پژوهش در نظر داریم اولاً با توجه به عبارات شیخ طوسی در تبیان، از معنا شناسی و قواعد او در تائویل سخن بگوییم و ثانیاً حاکمیت عقل و خردورزی را بر تائویل پژوهی او نشان دهیم و بدینوسیله با اتکا بر این تائویل شناسی، سیمایی از منطق عقلانی او در فهم دین ارائه کنیم.

۱- معنا شناسی تائویل

تأویل که از ریشه «اول» مشتق شده، در نگاه لغویین، معانی گوناگونی دارد که از آن جمله است، بازگشت، عاقبت، ایاله (سیاست کردن) (ازهری، ۱۹۶۴، ج ۱۵: ۴۳۷ و ابن فارس، ۱۴۱۱: ذیل ماده اول). در معنای اصطلاحی آن، غالباً آن را مقابل تفسیر می‌دانند. بسیاری از قرآن پژوهان با توجه به روایات و احادیث به یکی بودن بطن و تأویل اذعان نموده و معتقدند که همه آیات، ظاهر و بطن و تفسیر و تأویل دارند. در این نگاه، فهم ظاهر آیه تفسیر و فهم باطن آن تأویل است. لیکن با عنایت به آیه هفتم سوره آل عمران، میتوان گفت خاستگاه و اصلی بحث تأویل، آیات متشابه است.

شیخ طوسی در تعریف محکم و متشابه چنین می‌گوید: محکم، وصف آیاتی است که الفاظ آن بدون اعتبار و انضمام امری دیگر - لغوی یا غیر لغوی - از معنای خود خبر داده و به تأویل نیازی نداشته باشد و در مقابل متشابه را آسانی میداند که مراد آیه از ظاهر آن فهمیده نمیشود، بلکه به دلیلی نیازمند است (طوسی، بی تا، ج ۱: ۷ و ۱۰).

او در آیات متشابه از وجوه محتمل معنایی سخن می‌گوید. بدین ترتیب محکومات آیاتی هستند که فهم ظاهر آیه نیازی به قرینه ندارد ولی متشابه در مقابل آن است

شیعه در قرون ۴ و ۵ هجری در بغداد شکل گرفته است، آن را می‌توان «مکتب تفسیری بغداد» نیز نامید. (کریمی نیا، ۱۳۸۷: ۲۴)

یعنی فهم ظاهر آیه بدون قرینه و دلیلی خارجی امکانپذیر نیست: « فالمحکم هو ما علم المراد بظاهرة من غیرقرینه تقترن الیه و لا دلاله تدلّ علی المراد به لوضوحه ... والمتشابه ما لا یعلم المراد بظاهرة حتّی یقترن به مایدلّ علی المراد منه » (همان، ج ۲ : ۳۹۵). بدین ترتیب باید گفت آیات متشابه خاستگاه اصلی بحث تاویل است .

تاویل از واژگانی است که تعاریف بسیاری بر خود دیده است.^۱ نظرات موجود در باب تاویل با همه تعدد و اختلافی که دارند، از دو نگرش کلی حکایت دارند: الف) نگرش درون متنی ب) نگرش برون متنی^۲.

چنانکه در ادامه خواهیم دانست در نگاه اول، تاویل امری است در حیطه خود متن، اعم از مفهوم و معنای عبارت موجود در متن ولی صاحبان نگاه دوم تاویل را در متن و معنای آن جستجو نمی‌کنند، بلکه تاویل در نظر آنها امری عینی و خارجی است .

طرفداران دسته نخست، تاویل متن را امری از باب مفهوم، معنا و مدلول لفظ می‌دانند، ولی در نگاه دیگر، تاویل امری خارج از مقوله متن و معناست. عرفا، علامه طباطبائی و ابن تیمیه با همه اختلافی که با یکدیگر در تاویل پژوهی دارند^۳ در دسته دوم قرار می‌گیرند. نظر بسیاری از مفسران و قرآن پژوهان با نگاه اول سازگار است. در ادامه خواهیم دانست که شیخ طوسی را در کدامیک از این گروهها باید قرار داد.

^۱ بعنوان نمونه می‌توان از معانی زیر نام برد: تفسیر، عاقبت امر، تعبیر خواب، بطن قرآن و معنا و مفهوم کلام و مصادیق خارجی آیات (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۰-۲۲ و شاکر، ۱۳۸۱: ۸۲)

^۲ -در توضیح این دو نگاه به تاویل ر.ک: سجادی، ۱۳۷۹: ۶۴-۹۵

^۳ البته برخی از قرآن پژوهان معتقدند نظریه علامه، اصلاح شده نظریه ابن تیمیه است (معرفت ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۸ و همو، ۱۳۷۶: ۷۴)

۱-۱- عینیت یا غیریت تاویل و تفسیر در دیدگاه شیخ طوسی

برخی از اهل تحقیق برآنند که در زمان شیخ طوسی، هنوز تفاوتی میان تفسیر و تاویل وجود نداشته و شیخ آنها را مترادف می‌داند. این پژوهشگران، غالباً به عبارات شیخ در تبیان استناد می‌کنند که وی در آنها، این دو تعبیر را مترادف و بجای یکدیگر بکار می‌برد. (رک: طوسی، بی تا ج ۲: ۳۹۹ و ج ۶: ۱۹۸) از جمله خضیر، در اثری که بطور اختصاصی در مورد شیخ طوسی به نگارش در آورده است، از ترادف این دو واژه نزد شیخ طوسی سخن می‌گوید: «والذی علیه الشیخ الطوسی هو عدم التفرقه بین التفسیر والتأویل» (خضیر، ۱۳۷۸: ۲۵۸)

او این مطلب را واضح و بی‌نیاز از تفصیل بیشتر می‌داند و می‌گوید، تردیدی نیست که نزد شیخ الطائفه و متقدمان او، تاویل و تفسیر مترادف بوده است و از همین جهت است که شیخ طوسی گاهی آنها را بجای یکدیگر بکار می‌برد: «فیکون التأویل و التفسیر عند هولاء متقارباً و هذا ما یجده واضحاً لدى الشیخ الطوسی اذ لا یفرق بین التأویل و التفسیر... و کائنها مترادفان» (همان: ۲۵۹ و ۳۰۶).

در تاج العروس نیز از یکی بودن تفسیر و تاویل سخن رفته است: «التفسیر و التأویل واحد». (تاج العروس، ماده فسر..)^۱ اگرچه چنین رویکردی در برخی عبارات شیخ طوسی دیده می‌شود ولی باید دانست که عبارات شیخ طوسی در بسیاری موارد نیز حاکی از تفاوت بین تفسیر و تاویل است. لازم بذکر است که در روایات به انحاء گوناگون، تفاوت بین تفسیر و تاویل مورد توجه قرار می‌گیرد.

^۱ این رویکرد در کتابهای لغت دیگری نیز دیده می‌شود بعنوان نمونه: «الاول بمعنی الرجوع ... واوله وتأوله: فسرته» (ابن منظور، لسان العرب) و نیز رک: فیروز آبادی، القاموس المحيط)

تاویل پژوهی شیخ طوسی در تبیان: در بجه ای به منطق عقلانی او در فهم دین ۶۱

چراکه اصطلاح ظهر و بطن، از همان ابتدای اسلام، مرادف اصطلاح تنزیل و تاویل بوده است.^۱

از مواردی که شیخ طوسی تفسیر را با تاویل متفاوت می داند، آنجایی است که تاویل را مخصوص آیات متشابه می داند و در محکّمات قائل به تاویل نمی شود (طوسی، بی تا، ج ۱: ۱۱). او آنگاه که در مقام تعریف محکم و متشابه قرار می گیرد، از مقوّمات محکّمات را این می داند که تاویل بردار نیستند: «فالمحکم... لا یحتاج الی ضروب من التاویل» (همان: ۱۰).

پر واضح است که در نظر او تفسیر، همه آیات قرآن را در بر می گیرد چه محکم و چه متشابه. او خود در مقدمه کتاب تبیان، تفسیر قرآن را بیان معانی آن می داند و این در مورد همه قرآن صادق است نه فقط متشابهات. بدین ترتیب، انتساب تفسیر به همه قرآن و تاویل، تنها به آیات متشابه، خود شاهدهی است که از تفاوت تفسیر و تاویل نزد او خبر می دهد. بدین ترتیب باید اذعان نمود که هر دو رویکرد - یعنی یکی انگاشتن تفسیر و تاویل و متفاوت دانستن آنها - در تبیان دیده می شود و البته تردیدی نیست که غلبه با رویکرد نخست است. بدین ترتیب باید گفت، بر خلاف آنچه برخی از محققان گفته اند، در آثار شیخ طوسی هم شاهد عینیت و هم غیریت تفسیر و تاویل هستیم.

^۱ پیغمبر اکرم (ص) فرمود: (ما فی القرآن آیه الأ و لها ظهر و بطن). در قرآن آیه ای نیست، مگر آن که علاوه بر دلالت خاص و ظاهری آن، دلالتی دیگر، گسترده تر و همه جانبه در بردارد. از امام باقر (ع) پرسیدند: مقصود از ظهر و بطن چیست؟ فرمود: (ظهره تنزیله، و بطنه تاویله. منه ما قد مضی و منه ما لم یکن. یجری ما تجری الشمس و القمر). (به نقل از معرفت، ۱۳۷۶: ۵۸)

۲-۱- تاویل در کاربردهای مختلف:

دقت در اثار شیخ طوسی، کاربردهای مختلف معنایی را به شرح زیر برای تاویل بر می شمارد:

الف- تفسیر

تاویل گاهی به معنای تفسیر بکار می رود. این معنا البته از رایجترین موارد کاربرد تاویل است. او در موارد بسیاری، تاویل را همان تفسیر می داند (رک: همان، ج ۲، ص: ۳۹۹ و ج ۶؛ ص ۱۹۸). بطوریکه بسیاری از اهل تحقیق، از یکسان بودن این دو نزد او سخن گفته اند. (خضیر، ۱۳۷۸: ۲۵۸، و فرجاد، ۱۳۸۳: ۳۰۳)

ب- تعبیر

تاویل گاهی نیز به معنای تعبیر است. این کاربرد که معمولا در اضافه با رویا بکار می رود همسو با استعمال قرآنی آن است. یعنی در قرآن در مواردی -بخصوص سوره یوسف- تاویل به معنای تعبیر خواب بکار رفته است. شیخ طوسی نیز همین معنا را در تفسیر آیه مورد توجه قرار می دهد. (رک: طوسی، بی تا، ج ۶: ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۱۳۸)

ج- معنای غیر ظاهری که از توجیه متشابه بدست می آید

متشابه آن است که مخاطب را در تشخیص مراد حقیقی به شبهه انداخته و سبب حیرت شود. راغب، متشابه را چیزی گوید که با چیز دیگر اشتباه شود. یکی از معانی تاویل، توجیه متشابهات است (راغب، ذیل ماده شبه)؛ یعنی معنایی که از ظاهر آیه بدست نمی آید؛ بلکه برای رسیدن به آن، قرینه و دلیل نیاز است. چنین معنایی از تاویل در آیات متشابه وجود دارد. شیخ طوسی با تقسیم آیات به محکم و متشابه، محکومات را بی نیاز از تاویل و متشابهات را نیازمند آن می داند. (طوسی، بی تا، ج ۱: ۷). او معنای متشابه را که با تاویل بدست می آید، معنایی می داند که مراد ظاهری کلام نیست (همان).

د- مرجع و عاقبت امر

شیخ طوسی در تفسیر آیه « یَوْمَ یَأْتِی تَأْوِیْلُهُ » به این معنا اشاره می‌کند و تاویل را به معنای جزا و عاقبت امر و « یَوْمَ یَأْتِی تَأْوِیْلُهُ » را به معنای روز قیامت می‌داند (همان، ج ۴: ۴۱۹ و نیز رک : همان، ج ۵: ۳۸۰ و ج ۳: ۲۳۷ و ج ۶، ۴۷۷).

و- علت و سبب حکم

فحوای کلام شیخ طوسی نشان می‌دهد که او، گاهی تاویل را به معنای سبب، چرایی و فلسفه حکم می‌داند یعنی همان عاملی که حکم از آن نشئت می‌گیرد. او به پیروی از قرآن (کهف/۷۸) در داستان همراهی خضر و موسی، واژه تاویل را بکار می‌گیرد و معتقد است آنجا که خضر در پی فاش نمودن تاویل امورش بود (سَأَلْتُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا/ کهف/۷۸) به چرایی و فلسفه کارهایش اشاره کرد و به تفصیل و مورد به مورد از علت هریک سخن گفت. شیخ طوسی بیان تاویل امور را در اینجا ذکر همین اسباب و علل پیدایش امور می‌داند (همان، ج ۷: ۸۰).

۳-۱- تحلیل و بررسی کاربردهای مختلف تاویل :

به گفته برخی از محققان تاویل در نظر شیخ طوسی امری از باب مفهوم و معناست (معرفت، ۱۳۷۶: ۸۴-۸۷). البته شواهد بسیاری نیز این نظر را تایید می‌کند. از جمله کلام صریح خود شیخ است که تاویل قرآن را معنای آن می‌داند: « و تاویل القرآن ما یؤول الیه من المعنی ای یرجع » (طوسی، بی تا. ج ۶: ۱۳۸ و ۱۹۹).

ولی باید توجه کرد که این نظر را نمی‌توان تنها نظر مطرح در آثار او دانست. نگارنده معتقد است مواردی وجود دارد که شیخ طوسی تاویل را نه از سنخ مفهوم و معنا بلکه امری که مرجع و اصل معناست می‌داند. در چنین مواقعی تعبیر مصلحت یا فائده حکم را بکار می‌برد: « و التاویل فی الأصل هو المنتهی الذی یؤول الیه المعنی » (همان، ۹۸).

در این عبارت او به صراحت تاویل را منتهی الیه معنا می‌داند- نه خود معنا- یعنی آنچیزی که معنا ناظر به آن است. او گاهی تاویل شیء را حکم آن می‌داند و از

مصلحت و فوائد مستتر در یک حکم با عنوان تاویل یاد می‌کند: « و تأویل الحدیث فقهه الذی هو حکمه، لآنّه اظهار ما یؤل الیه امره مما یعتمد علیه و فائده» (همان).

بدین ترتیب اگرچه در بیشتر کاربردهای شیخ طوسی تاویل امری از سنخ معنا و همان تفسیر است ولی این روال در مواردی - البته نه چندان بسیار - تغییر یافته و تاویل با عنایت به ریشه لغویش که از مأل اخذ شده است در مصلحت حکم، فایده آن و بطور خلاصه در مأل معنا - نه خود معنا - استعمال می‌شود. شاید بتوان وجه این استعمال را چنین گفت که چون فایده و مصلحت به نوعی غایت امر محسوب میشود از همین روست که شیخ طوسی گاهی مأل را همان فایده تعبیر می‌کند. بدین ترتیب نگارنده معتقد است که شیخ طوسی در مورد تاویل هر دو نگرش درون متنی و برون متنی را واجد است و البته نگرش درون متنی او وجه غالب است. می‌توان گفت در سه کاربرد اول، تاویل امری از باب مدلول و مفهوم و معنای لفظ است ولی آنگاه که تاویل را مرجع نهائی یا علت امر بدانیم - یعنی دو کاربرد اخیر - دیگر نمی‌توان تاویل را از سنخ مفهوم و معنا دانست؛ بلکه همانگونه که گذشت تاویل در این موارد، امری ورای مفهوم و مدلول ظاهری و غیر ظاهری بلکه شامل مصلحت، فایده و فلسفه یا عاقبت حکم است.

پر واضح است نگارنده در پی آن نیست که نظر شیخ طوسی را در تاویل، عینا همانند نظر علامه طباطبائی بدانند که تاویل را از سنخ واقعیت خارجی می‌دانند (طباطبائی، ۱۴۱۷ج ۳: ۵۳ و معرفت، ۱۳۸۸ج ۱: ۳۸) بلکه آنچه مد نظر است اینکه نشان دهیم در کلمات شیخ طوسی نیز شواهدی از چنین دیدگاهی دیده می‌شود؛ یعنی گاهگاهی شیخ طوسی تاویل را نه از سنخ معنا و مفهوم بلکه امری از قبیل واقع خارجی می‌پندارد و این خود می‌تواند ریشه‌ای برای فکر همه کسانی باشد که تاویل را امری خارجی و نه از قبیل معنا می‌دانند.

بدین ترتیب بدون اینکه در نظر داشته باشیم دیدگاه علامه را بر عبارات شیخ طوسی تحمیل کنیم

باید بگوییم که عبارات شیخ گویای این است که او به صراحت در مواردی تاویل را منتهی الیه معنا می‌داند و نه خود معنا و نیز از مترادفهایی چون فرجام و غایت و یا چرایی و مصلحت امور برای تاویل آنها استفاده می‌کند. بدین ترتیب می‌توان ریشه دیدگاههای چون علامه طباطبایی را در بحث تاویل در کلام شیخ طوسی رصد نمود.

اما نکته دیگر اینکه، شیخ طوسی گاهی متعلق تاویل-آنچه مورد تاویل قرار می‌گیرد- را امری غیر از متن می‌داند. بطوریکه که از تاویل رویا و یا امور و یا احکام سخن می‌گوید؛ لیکن آنچه با جدیت و تاکید بیشتر در آثار او دنبال می‌شود، تاویل آیات قرآن است. در دوران متاخرتر از شیخ طوسی-در کلام عرفا و فلاسفه- متعلق تاویل همه پدیده‌ها خواهد بود؛ بعبارت دیگر با توسعه‌ای که حاصل میشود، هر پدیده را می‌توان به مثابه یک متن انگاشت و آن را مورد تاویل قرار داد. از آنجا که محور اصلی تاویل، رسیدن از ظاهر به باطن و یا سیر به بدایت و آغاز شیء است؛ باید خداوند را تاویل، باطن و حقیقت همه پدیده‌ها دانست. بنا بر- این در نگاه عرفا و فلاسفه، حضرت حق، تاویل همه پدیده‌ها اعم از جهان و انسان و قرآن است.^۱

بدین ترتیب، هرچند در نظر شیخ طوسی نیز گاهی تاویل بعنوان عاقبت و مرجع امر و یا فلسفه حکم استعمال می‌شود، لیکن شیخ طوسی-بر خلاف نگاه عرفانی و فلسفی متاخر از خویش- هیچگاه از تاویل داشتن همه پدیده‌ها و وقایع سخن نمی‌گوید.

^۱ صدرالمتالهین به صراحت انسان را همچون قرآن دارای ظاهر و باطن می‌داند و معتقد است که انسان نیز مانند قرآن دارای مراتب و درجات است. (رک: صدرالمتالهین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۶۴). ابن عربی نیز از تاویل نفس انسان سخن می‌گوید. روشی که او برای فهم تاویل پیشنهاد می‌کند سلوک و حرکت است. او می‌گوید سفر کن تا بتوانی اشارتهای قرآن را در خود بیابی (ابن عربی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۶۳۰).

۲- قاعده شناسی تائویل:

با تتبع در آثار این متکلم فقیه، می‌توان از قواعدی در تائویل پژوهی او سخن گفت. منظور از قواعد در تائویل، ضوابط و کلیاتی است که در نظر او تائویل درست تنها با پایبندی بدانها حاصل میشود. این قواعد به صراحت و یا اشاره مورد توجه شیخ بوده است:

الف- عدم جواز تقلید در تائویل

در نظر شیخ طوسی نباید از تائویل و تفسیر دیگران تقلید کرد، مگر آنکه رایی مورد اجماع اهل تفسیر باشد که در اینصورت نیز حجیت آن به لحاظ حجیت اجماع است (طوسی، بی تا، ج ۱: ۶). واضح است که منظور از تقلید، پذیرش قول دیگران بدون دلیل و حجت است.

ب- حجیت ادله معتبر عقلی و نقلی در فهم تائویل

او با نفی تقلید، تنها راهی را که برای فهم تائویل آیات در مقابل مخاطب می‌گشاید، رجوع به ادله معتبر عقلی و شرعی است. او از ادله شرعی به اجماع و خبر متواتر اشاره می‌کند و با تاکید بسیار از نفی حجیت خبر واحد در تفسیر سخن می‌گوید.

او معتقد است در آیات متشابه که مراد ظاهری آنها منظور نیست، نباید انکار و یا حتی توقف کرد. باب تدبیر در قران مفتوح است و لذا با استمداد از عقل و وحی، باید مراد غیر ظاهر را دریافت. او معتقد است که باید از فکر و رجوع به وحی در فهم متشابهات کمک گرفت: «لأنَّ فی القرآن ما یعلم المراد بدلیل و یحتاج الی الفکر فیهِ و الرجوع الی الرسول فی معرفه مراده و ذلک مثل المتشابه» (طوسی، بی تا، ج ۵: ۳۷۹).

ج- حجیت نقل معتبر برای انتساب معنای واحد از بین چندین معنای محتمل به خداوند

انتخاب یک معنای واحد از بین وجوه مختلف معنایی محتمل تنها با استناد به نقل معتبر امکانپذیر است. یعنی تنها با داشتن نقل معتبر است که می‌توان از وجوه معنایی بسیار که برای آیات متشابه محتمل است، یکی را مراد حتمی خدا دانست. در غیر اینصورت بر مفسر است که تنها معانی احتمالی را برشمارد و ترجیح آن را به خدا واگذارد.

د- جواز انصراف از ظاهر آیه با دلیل معتبر عقلی یا نقلی

نزد شیخ الطائفه، تأویلی که مفسر برای قرآن ارائه می‌دهد نباید، با گزاره‌های مسلم عقلی و کلامی مغایرت داشته باشد. او معتقد است که در مواردی که ظاهر آیات، مستلزم انتساب قبیح به خداوند است و با عدل او مغایرت دارد، باید از مراد ظاهری آیه، فاصله گرفت. او با صراحت می‌گوید که در چنین مواردی، ترک ظاهر آیه واجب است: « یجب ان تترك ظاهر هذه الآيات » (همان، ج ۴ : ۱۳۸). واضح است که انتساب عدل خداوند از اصول کلامی است که بر مبنای عقل و پس از اثبات واجب تبیین می‌شود. این قاعده از اصول مهم شیخ در بحث تأویل است.

و- ضرورت توجه به بحث لغوی و واژگانی

این مفسر متکلم، عقیده دارد که توجه به بار معنایی واژگان از واجبات بحث تأویل است. بدین ترتیب که مفسر این آزادی را ندارد که در تأویل آیه، از اموری سخن بگوید که ساختار واژگان و عبارت، تحمّل آن را ندارد. او به هیچ عنوان در تاویلهای خویش از معنای لغوی و ظاهری لفظ عدول نمی کند. او به همین جا اکتفا نمی کند بلکه نه تنها اصل توجه به واژگان نزد او مهم است بعلاوه او از لزوم توجه به شیوع و فراگیری معنای لغت سخن می گوید.

او بر این نظر است که تنها می توان معنایی از لفظ را که مناسبت آن با معنای لغوی و ظاهری معلوم، واضح و روشن باشد را اخذ نمود نه معانی شاذ و نادر (همان، ج ۱: ۷).

او سپس در ادامه می گوید، معانی نادری را که قطعیت در مورد آنها حاصل نمی شود، نمی توان شاهدهی بر کتاب خدا دانست. توصیه شیخ در این موارد این است که توقف شود و به بیان احتمالی اکتفا شود و معنایی بعنوان مراد قطعی خداوند معرفی نشود (همان).

۳- از تاویل پژوهی تا منطق عقلانی فهم دین:

اکنون در بخش دوم این نوشتار و پس از پرداختن به معناشناسی تاویل و بیان قواعد آن، بنا داریم از تاویل پژوهی شیخ طوسی، راهی به منطق عقلانی او در فهم دین بگشاییم و با تحلیل هرچه بیشتر این تاویل پژوهی، جایگاه عقل را در آن برجسته نماییم.

۱-۳- تاویل: فراخوانی برای تعقل

چنانچه گذشت متشابهات، خاستگاه اصلی بحث تاویل هستند. در نظر شیخ طوسی، اساساً فلسفه وجود متشابهات، انگیزش مخاطب به خردورزی و اقامه استدلال است. او بر این نظر است که انسانها متفاوتند و مراتب آنها مختلف و خداوند می‌خواسته بوسیله وجود آیات متشابه، گروهی را به تامل عقلانی در قرآن وادارد تا به درجات بلند و عالی برساند:

« و انزل الله القرآن بعضه متشابهاً ليعمل أهل العقل افكارهم و يتوصلوا بتكلف المشاق و النظر و الاستدلال الى فهم المراد فيستحقوا به عظيم المنزلة و عالی الرتبة » (همان: ۱۱).

او در این عبارت راه رسیدن به منزلت عظیم و رتبه والا را، نظر و استدلال می‌داند. بدین ترتیب نزد او اساساً بحث تاویل سر آغاز و نقطه عطفی برای عقلانیت است چرا که وجود آیات متشابه، به مثابه دعوتی برای تاویل است و دعوت به تاویل، فراخوانی است برای تعقل. در نظر او اولاً اصحاب عقول لازم است در برخورد با متشابهات، به عملیات عقلانی بپردازند و نظر و استدلال را با هر مشقت و صعوبتی ملتزم باشند و تنها در این صورت است که می‌توانند به فهم مراد و منظور آیه واقف آیند. ثانیاً اینکه چنین عملکردی، صاحب تاویل را به منزلت والا می‌رساند. بنابر این باید گفت، راه رسیدن به باطن قرآن در نظر شیخ طوسی، تعقل و استدلال و بکارگیری عقل است و این فرآیند، ارتقاء رتبه آدمی را سبب می‌شود. البته لازم بذکر است، عقلانیت مبنا و اساسی است که باید با عمل توأم گردد تا وصول به سعادت را موجب شود.

این نظر در مقابل کسانی است که با استناد به احادیث تفسیر به رای، به پرهیز از تدبر و تفکر در قرآن، توصیه نموده و راه رسیدن به تفسیر را فقط تفسیر به ماثور می‌دانند. شیخ طوسی با صراحت، نظر آنان را خلاف بسیاری از آیات و روایات می‌داند. استناد او به آیات توصیه کننده به تدبر در قرآن است و حدیثی که از عرضه روایات به قرآن خبر می‌دهد. او می‌گوید عرضه به قرآن، تنها در صورت

فهم آن امکانپذیر است. او هرچند به وجود روایاتی اشاره می‌کند که تنها راه تفسیر صحیح را، تفسیر به ماثور می‌دانند، ولی صراحتاً ظاهر این قبیل روایات را متروک و غیر قابل استناد می‌داند:

و اعلم ان الروایة ظاهرة فی اخبار أصحابنا بأن تفسیر القرآن لا يجوز إلا بالأثر الصحیح عن النبی صلی الله علیه و آله، و عن الائمه علیهم السلام،..... و کل ذلك يدل علی ان ظاهر هذه الاخبار متروک» (طوسی، بی تا، ج ۱: ۴ و ۵).

۲-۳- شناخت اوصاف الهی از دریچه تائویل

از دیگر موضوعاتی که نشان دهنده منطق عقلانی شیخ است، تائویلاتی است که ایشان در شناخت اوصاف الهی دارند.

صفات خبری بعنوان یکی از فروع اوصاف الهی از مسائل مهم و در عین حال اختلافی است. در این بحث، معتزله، امامیه، اشاعره و اهل حدیث دیدگاههای مختلفی دارند.^۱ شیخ طوسی نیز در مواضع مختلف از تائویل این آیات سخن میگوید و گرایشهای مجسمه یا مشبّهه را که به برداشت ظاهری این آیات اکتفا می‌کنند، مورد نقد قرار می‌دهد. تنها به مدد تائویل است که می‌توان به فهمی دقیق از این صفات رسید و در غیر اینصورت یا باید از درک این اوصاف صرفنظر کرد و یا به برداشتی ظاهری بسنده نمود. مواجهه شیخ طوسی با صفات خبری و چگونگی

^۱ اهل حدیث با اتکا به ظواهر آیات در صفاتی مثل بد، وجه و استواء، از هر گونه تائویلی روی بر می‌تابند. اشاعره نیز اصل این صفات را در خدا ثابت می‌دانند و علم آن را در کیفیت به خدا وا می‌گذارند. در این میان عدلیه (معتزله و امامیه) با اصول متفاوتی که در تائویل دارند، به اتفاق بر تائویل این قبیل آیات تأکید می‌کنند. (ن. ک. شهرستانی، ۱۴۰۲، ج ۱: ص ۱۰۵ و ص ۸۴، سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۱: ۶۵۰، اشعری، ۱۳۹۷، ۲۲، رازی، بی تا: ۱۳۳).

تاویل پژوهی شیخ طوسی در تبیان: در بجه ای به منطق عقلانی او در فهم دین ۷۱

تاویل آن از مواردی است که بخوبی رد پای عقلانیت را در تاویل پژوهی او نشان می دهد .

او ملاقات را تنها در مورد اجسام جایز میدانند و نسبت دادن آن را به خداوند از روی تعظیم و تفضیم شان او می دانند. جالب است که علت صرف نظر کردن از ظاهرات را در چنین مواردی، ناسازگاری آنها با امور مسلم عقلی می دانند. (طوسی، بی تا، ج ۵: ۳۴۳)

او آمدن خدا را در آیه « جاء ربك » به آمدن امر او تاویل میکند و در ادامه می - افزاید که منظور از اتیان در این آیه، اتیان حقیقی نیست (طوسی، بی تا، ج ۲: ۱۸۹) و البته شاهد لغوی می آورد که اتیان در کلام عرب برای آمدن غیر حقیقی نیز استعمال شده است (همان).

او در تاویل، از عقل و براهین اقامه شده توسط آن کمک میگیرد و آن را بعنوان پشتوانه ای در رد و قبول خویش مورد توجه قرا می دهد. او در جای دیگر، منظور از استواء خداوند بر عرش را در آیه « ثم استوی علی العرش » (۳ / یونس) استیلا ء او می دانند. (طوسی، ۱۴۰۶: ۷۲) او معنای ظاهری استوا بر عرش را که جلوس است، نمی پذیرد و برای سخن خویش به اقامه برهان می پردازد. او استوا به معنای جلوس را صفت اجسام میدانند که حادث هستند، حال آنکه خداوند حادث نیست: « فاماً الاستوا بمعنی الاستواء بمعنی الجلوس علی الشیء فلا یجوز علیه تعالی، لانه من صفة الأجسام، و الأجسام کلها محدثة » (طوسی، بی تا، ج ۷: ۱۶۰)

او در مورد « ید » با توجه به اشعار و ادبیات عرب، پنج وجه در استعمال آن بیان می کند و سپس به بیان شواهد لغوی می پردازد و نهایتاً آن را در « لما خلقت بیدی » (۷۵ / ص) به معنای ملکیت لحاظ می کند (همان، ج ۳: ۵۸۱). او در « بل یداه مبسوطتان » (۶۴ / مانده) از واژه ید معنای نعمت را فهم می کند (طوسی، ۱۴۰۶: ۷۲).

همچنین در آیه «تجری باعیننا»، «عین» را به معنای علم می‌داند (همان). او در همه این موارد، اتکایش برای انصراف از ظاهر آیه، این است که اخذ به ظاهر، مستلزم تشبیه است که خلاف عقل است. او در ارائه معنای تأویلی، تمام توجه خود را به بحث لغت و واژگان معطوف می‌دارد. به عبارت دیگر با توجه به محکماتی نظیر «لیس کمله شی» یا «لم یکن له کفوا احد» و... معنای ظاهری استوا، ید، وجه در مورد خدا صادق نبوده و گریزی نیست جز فرا رفتن از ظاهر این آیات.

شیخ طوسی در تبیین معنای وقوف بر پروردگار نیز «اذ وقفوا علی ربهم» (۳۰ / انعام) از معنای ظاهر آن، فاصله گرفته به این دلیل که مستلزم مشاهده اوست و مشاهده او، محذور عقلی دارد:

«لأنّ المشاهدة لا تجوز الا علی الأجسام أو علی ما هو حال فی الأجسام، و قد ثبت حدوث ذلك أجمع، فلا يجوز أن يكون تعالی بصفة ما هو محدث. و قد بینا أن المراد بذلك: ووقفهم علی عذاب ربهم و ثوابه» (همان، ج: ۴، ۱۱۳).

مشاهده تنها در مورد اجسام است یا چیزی که در جسم حلول کند و هردو این موارد از امور حادث هستند در حالیکه خداوند قدیم و ازلی است، لذا مشاهده او امکانپذیر نیست.

بدین ترتیب، شیخ طوسی با ارائه برهان و شاهد عقلی از معنای ظاهری آیه به معنای غیر ظاهر آن منتقل میشود و البته مهم اینجاست که در اخذ معنای غیر ظاهری، با استناد به قواعد زبان و واژگان پیش می‌رود. بدین نحو که او با استناد به بحثی لغوی، وقوف را در آیه فوق به معنای معرفت می‌داند. (همان: ۱۱۴).

بطور خلاصه باید گفت نظر شیخ طوسی در مورد تاویل متشابهات، ارجاع آنها به محکمت آیات قرآن با تکیه به دلالت عقل و معنای واژگان است و البته این روش منحصر به شیخ طوسی نیست. این شیوه در مکتب کلامی بغداد، طریقی رایج بوده است. سید مرتضی که استاد شیخ طوسی است، نیز انتساب هر صفتی که لازمه حمل آن بر خدا، اتصاف خدا به صفت حدوث باشد، را باطل می‌داند. (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۲۹۵).

از نظر وی، افزون بر تفسیر معجمی کلام، توجه به نسق کلام یا سیاق لفظی و سیاق حالی در فهم متن، نقش تعیین کننده دارد به نحوی که میتوان گفت عدم توجه به این موارد، سبب انحراف از محتوای متن و کج فهمی میشود (به نقل از، سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

۳-۳- مختصات عقلانیت بعنوان هسته مرکزی تاویل

چنانچه گذشت، تاویلی که شیخ طوسی به آن ملتزم است بر اصول و پایه عقلانیت استوار است و تاویلی عقل مدارانه است. حجیت عقل، انصراف از ظاهر آیات و روایات به پشتوانه عقل از مهمترین شواهد بر این مدعا هستند. دقت در قواعد پیش گفته از تاویل شیخ طوسی نشان می‌دهد که هرچند وی از طرفداران تاویل است ولی تاویل او ضابطه‌مند و قانون مدار است. او با استمداد از نور وحی و برهان عقل، طی مسیر می‌کند. برای نمونه می‌توان از مواجهه او با احادیث تاویلی در حق اهل بیت علیهم السلام نام برد. هرچند او عالمی شیعی است و ولایتمداری از اصول اساسی فکر اوست، لیکن همچنان در پذیرش و نقل روایات تاویلی صادر شده در حق اهل بیت با ضابطه و قانون عمل نموده و برخلاف پیشینیان خود از مفسرین، بسیاری از آنها را نقل نمی‌کند.^۱ شیوه او در تاویل متشابهات، ارجاع آنها به محکومات با لحاظ قوانین عقلی و ضوابط و ازگان است. شیخ طوسی به صراحت از اینکه فهم بسیاری از آیات قرآن، نیازمند نظر و فکر است سخن می‌گوید:

«لأن فی القرآن ما یعلم المراد بدلیل و یحتاج الی الفکر فیہ والرجوع الی الرسول فی معرفه مراده و ذلک مثل المتشابه» (طوسی، بی تا، ج ۵: ۳۷۹).

^۱ برای اشنائی با نحوه مواجهه شیخ طوسی با روایات تاویلی در حق اهلبیت علیهم السلام: رک: نفیسی، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۲۸.

او برای طی این مسیر، تفکر را قرین رجوع به رسول معرفی نموده و بر این عقیده است که نادیده گرفتن عقل و اندیشه، ما را از فهم معارف قرآنی محروم می‌سازد. اینجاست که منطق عقلانی وی در فهم دین بخوبی آشکار می‌گردد. در نظر او، تاویل تنها آنگاه جایز است که با دلیل و حجت معتبر همراه باشد و اگر چنین نباشد؛ یعنی دلیل محکمی نداشته باشیم باید با پرهیز از تاویل، امر را به خدا و رسول او احاله کرد. چرا که واگذار کردن امر به خدا و سفیرانش بهتر از تاویل بدون دلیل است:

«لَا نَرُدُّ الی الله والرسول والائمة المعصومین احسن من تاویل بغیر حجه»
(همان، ج: ۳، ۲۳۷)

آنچه در اینجا اهمیت دارد شناخت عقل و عقلانیت در دستگاه فکری شیخ طوسی است. عقل در نظر او به چه معناست؟ آیا او عقل را بعنوان منبعی استقلالی دارای حجیت می‌داند؟ یا عقلی که از آن سخن می‌گوید، عقلی است در پرتو وحی؟

آنچه در این مختصر می‌توان اشاره نمود اینکه عقل در نظر او، مجموعه علوم است که انسان را در شناخت توانا می‌سازد. او اینکه عقل را نامی برای یک قوه بدانیم و یا مجموعه ای از علوم؛ مسئله‌ای مهم و اساسی نمی‌داند (طوسی، بی تا، ج: ۱، ۲۰۰ و ۲۰۱). در نگاه استاد او - شیخ مفید - عقل استقلالی حجت نیست؛ چرا که او به صراحت عقل را در داده‌ها و استنتاجهایش محتاج وحی می‌داند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷ و ۸). این نظر البته در شیخ طوسی تغییر می‌یابد. او نیازمندی عقل را به وحی را مستلزم دور می‌داند (طوسی، ۱۳۹۴: ۴۶).

بنابراین در نظر او، عقل بعنوان منبعی مستقل از وحی دارای حجیت است. هر چند شیخ طوسی همچون استاد خویش و نیز قاطبه متکلمان، تاکیدش بر عقل عملی بیشتر از عقل نظری است؛ لیکن این به معنای غفلت از عقل نظری نیست (رحیمیان، ۱۳۹۲: ۸۱) بنابراین چنین عقلی است که مبنای تاویل شناسی شیخ طوسی قرار می‌گیرد و چنانچه گذشت تاویل، رویکردی است جهت فهم آیات وحیانی. چرا که هر چند تشابهات، خاستگاه اصلی بحث تاویل هستند ولی به طور

قطع هر آیه‌ای از قرآن -محکم یا متشابه- ظاهری و باطنی دارد و با تاویل است که می‌توان به فهم باطن آن رسید.

اکنون شیخ طوسی این فرایند تاویل را، فرایندی محتاج نظر و استدلال می‌داند که عقلا باید کمر همت بسته و برای فهم این بواطن با اتکا به عقل و وحی در مسیر تعقل و استدلال وارد شوند. به اذعان خود شیخ طوسی، عقل منبع مستقلی است که در اخذ حجیت محتاج شرع نیست. بدین ترتیب نزد او می‌توان از حجیت احکام عقلی در فهم دین سخن گفت. بدینگونه که اثبات خدا و حجیت دین اساسا با عقل انجام میگیرد و تمسک به نقل در اینگونه موارد مستلزم دور بوده و جایز نیست. بعلاوه که با اتکا بر عقل می‌توان به باطن معارف دینی رسید. با استناد به حکم عقلی معتبر می‌توان از ظواهر آیات فاصله گرفت. با توجه به مطالب پیش گفته، عقلی که شیخ طوسی در فرایند تاویل به عملکرد آن صحنه میگذارد عقلی محتاج وحی نیست؛^۱ بلکه عقلی استقلالی است که به استتجاهایی می‌پردازد. البته باید توجه داشت که هنوز تا رشد و بالندگی این عقل استقلالی فاصله بسیار است. هرچند عقل استقلالی در شیخ طوسی از حجیت برخوردار است، ولی چنین عقلی در فضای اندیشه کلامی هنوز نوپاست و باید مسیر رشد خود را طی کند تا بتواند در دورانهای بعدی -همچون دوران خواجه نصیر و علامه حلی- به زایش اندیشه‌های ژرف عقلانی برسد. در اینصورت است که می‌تواند در عرصه فهم و تفسیر متون دینی نیز فعالتر ظاهر شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۱ پرواضح است که مراد از عقل استقلالی این نیست که عقل در هیچ زمینه‌ای محتاج وحی نیست. بر همه عقلا معلوم است که عقل قوه‌ای محدود است و در رسیدن به حقایق نمی‌تواند یکه تاز میدان معرفت باشد. منظور از حجیت عقل استقلالی، معتبر دانستن احکامی است که عقل به خودی خود و بدون کمک وحی به آن رسیده است. این عقل است که با اثبات خدا و حجیت وحی و سپس اذعان به محدودیت خویش، دست آدمی را در دست وحی می‌گذارد.

نتیجه:

تائویل در اغلب موارد، به همان معنای تفسیر در فرهنگ واژگانی شیخ طوسی بکار می‌رود؛ ولی البته مواردی نیز وجود دارد که او تائویل را امری غیر از تفسیر می‌داند. بعلاوه که شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تائویل نزد او امری از باب واقعیت خارجی است. بدین ترتیب می‌توان شیخ طوسی را صاحب هر دو گرایش درون متنی و برون متنی در باب تائویل دانست. دقت در قواعد ارائه شده در این باب، از عقلانی بودن و ضابطه مند بودن تائویل نزد او خبر می‌دهد. ارجاع متشابهات به محکومات با تکیه بر عقل و لحاظ نقل و قواعد واژگان، روش شیخ در فهم تائویل است. او در پذیرش ظواهر آیات توجه به حکم عقل را لازم می‌داند. نزد او ترک ظاهر آیه، ممکن و حتی در مواردی واجب است و آن هنگامی است که ظاهر آیه محذور عقلی داشته باشد؛ مثلاً مستلزم تشبیه خدا گردد یا مثلاً اضافه قبیح به خدا را در پی داشته باشد و...

دقت در قواعد بر شمرده از تائویل، حاکمیت عقلانیت را در آن نشان می‌دهد. در نظر شیخ وجود متشابهات که خاستگاه تائویل هستند؛ دعوتی برای عقلانیت و خردورزی هستند. بدین ترتیب، تائویل پژوهی شیخ با عقلانیت ارتباط ناگسستنی می‌یابد. از آنجا که تبیان، کتابی در تفسیر قرآن است و مولف در آن به شرح و تفسیر آیات وحی پرداخته است؛ لذا نگارنده از رهگذر تحلیل و بررسی تائویل پژوهی در این کتاب تفسیری، رویکرد عقلانی شیخ طوسی در فهم دین را نشان می‌دهد؛ عقلانیتی که بی هیچ تردید در مقایسه با گذشته رو به تضاعف گذارده است.

اما نکته دیگر اینکه از آنجا که هسته مرکزی و اصلی تائویل، عبور از ظاهر و محصور نماندن در آن است، تائویل صرفاً، رویکردی جهت فهم متن مکتوب نیست بلکه هر پدیده‌ای را می‌توان یک متن انگاشت و تلاش نمود تا با تائویل از دریچه ظاهر آن به باطنش رسید. بدین ترتیب می‌توان از تائویل انسان و جهان نیز سخن گفت. لازم بذکر است که چنین رویکردی نسبت به تائویل در عبارات شیخ طوسی دیده نمی‌شود، لیکن در فلاسفه و عرفا این نگاه وجود دارد. آنها تائویل را صرفاً

تاویل پژوهی شیخ طوسی در تبیان: در پیچه‌ای به منطق عقلانی او در فهم دین ۷۷

روشی برای فهم باطن قرآن ندانسته، بلکه آن را به مثابه رویکردی در فهم جهان، انسان و قرآن بکار می‌گیرند و حضرت حق را بعنوان تاویل و باطن هر سه (جهان، انسان و قرآن) می‌دانند.



فهرست منابع:

- قرآن مجید
- ابن عربی، (۱۴۲۷) الفتوحات المکیه، ج ۱، بیروت، دارالفکر
- ابن فارس، احمد (۱۴۱۱) معجم مقاییس اللغه، بیروت: دارالجلیل
- ازهری، محمد بن احمد، ۱۹۶۴، تهذیب اللغه، بیروت، دار احیا التراث العربی
- اشعری، ابوالحسن، ۱۳۹۷ الابانه عن اصول الدیانه، تحقیق حسین محمود، قاهره،
- ایرانی قمی، اکبر، ۱۳۷۱ روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان، سازمان تبلیغات اسلامی، قم.
- خضیر، جعفر، ۱۳۷۸، الشیخ الطوسی مفسراً، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- دوانی، علی، ۱۳۶۲، هزاره شیخ طوسی، انتشارات امیر کبیر، تهران
- رازی، فخرالدین محمد، بی تا، اساس التقدیس فی علم الکلام، بیروت، دارالفکر اللبنائی،
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۳۳۲ ش. مفردات الفاظ القرآن، المكتبة الرضویه، تهران،
- رحیمیان، سعید، ۱۳۹۲، «جایگاه شیخ طوسی در عقل گرایی اسلامی» چاپ شده در «طوسی پژوهی» (مجموعه مقالات) به کوشش مهدی کمپانی زارع، تهران، خانه کتاب.
- زبیدی حسینی، ۱۳۹۲ سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، داراحیاء التراث العربی، بیروت،
- سجادی، ابراهیم، ۱۳۷۹ «تائیل در منظر دیدگاهها و اندیشه ها» پژوهشهای قرآنی، شماره ۲۱ و ۲۲: ۶۴-۹۵

تاویل پژوهی شیخ طوسی در تبیان: در بجه ای به منطق عقلانی او در فهم دین ۹۹

- سلطانی، مصطفی، ۱۳۹۱ صفات خبری از دیدگاه امامیه و معتزله با تاکید بر اندیشه سید مرتضی و قاضی عبد الجبار، اندیشه نوین دینی، شماره ۲۹: ۱۲۷-۱۴۶
- سید مرتضی، علی بن الحسین، ۱۴۰۵، رسائل الشریف المرتضی، قم، مقدمه سید احمد حسینی، دارالقران الکریم
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، ۱۹۷۳، الاتقان فی تفسیر القرآن، بیروت، المکتبه الثقافیه
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم ۱۴۰۲، الممل و النحل، بیروت، دارالمعرفه
- شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۱، روشهای تاویل قران، بوستان کتاب، قم
- صدرالمتالهین، محمد ابن ابراهیم، ۱۳۸۶، مفاتیح الغیب، ج ۲، تصحیح نجفقلی حبیبی، بنیاد حکمت صدرا، تهران.
- طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۱۷ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ ج، دار احیا التراث، بیروت
- _____، ۱۴۰۶، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، دار الاضواء، بیروت.
- _____، ۱۳۸۲ تلخیص الشافی، ج ۴، انتشارات المحبین، قم.
- _____ (۱۳۹۴) تمهید الاصول فی علم الکلام، نشر ائند، قم.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۹، مبانی و روشهای تفسیر قرآن، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- کریمی نیا، مرتضی ۱۳۸۷، شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در التبیان خردنامه همشهری، شماره ۲۴: ۲۶-۲۶

- کمپانی زارع، مهدی ۱۳۸۹، شیخ طوسی و تفسیر تبیان، تهران، خانه کتاب،
- معرفت محمد هادی، ۱۳۸۸، تفسیر و مفسران، ۲، ج، قم، انتشارات تمهید
- مفید، محمد بن نعمان، (۱۳۷۲) اوایل المقالات فی المذاهب و المختارات، نشر
موسسه مطالعات اسلامی، تهران.
- نفیسی، شادی، ۱۳۹۳ « رویکرد شیخ طوسی نسبت به پیشینیان در مسئله روایات
تاویلی در حق اهل بیت علیهم السلام » آموزه های قرآنی شماره ۲۰: ۱۰۳-۱۲۸

